

رابطه کاربرد شناختی فواصل آیات با محتوای آن (مطالعه موردی فلاح)

رضوان زمانی فروشانی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۳

مهدی مطیع**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱۵

مهدی حبیب الهی***

چکیده

یکی از شاخه‌های مهم در دانش زبان‌شناسی، کاربردشناسی است؛ که برشناسایی منظورگوینده یا نویسنده متمرکز شده و ابزار مهم آن عناصر بافت درون زبانی و برون زبانی است. از طرفی یکی از موضوعات چالشی در دانش علوم قرآن و تفسیر، موضوع اختتام آیات و ارتباط معنایی آن‌ها با محتوای آیه یا سوره است، به گونه‌ای که گاهی جملات واحد در پایانه آیات با یک صورت در کاربردهای مختلف دارای نقش‌های گوناگون می‌گردد و هر یک مقصود متفاوتی را منتقل می‌کند. این پژوهش در پی آن است که با استفاده از برخی اصول و مؤلفه‌های دانش کاربردشناسی، به تحلیل آیات قرآن با اختتام اوصاف انسان‌های رستگار پرداخته و ابعاد موضوعی این آیات و تفاوت‌های مفهومی آن‌ها در سطح مراد جدی و مقصود نهایی را بر اساس نظریات آستین و سرل در خصوص نظریه کارگفت آشکار سازد. روش پژوهش بکار گرفته شده تحلیلی-توصیفی با استفاده از برخی مؤلفه‌های بافت درون زبانی و برون زبانی، یعنی روابط هم‌نشینی و جانشینی، فضای نزول، لحن کلام و مقام سخن است؛ هر کجا از این پایانه استفاده می‌شود موضوع تقوا، دعوت به سوی خیرات، تبعیت از حکم پیامبر و... مد نظر است.

کلیدواژگان: کاربرد شناسی، بافت زبانی، نظریه سرل، کنش گفتاری.

* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

** دانشیار- مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم قرآن و حدیث. mahdimotia@gmail.com

*** استادیار- مدیر گروه آموزشی زبان دانشگاه اصفهان، اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم قرآن و حدیث.

نویسنده مسئول: مهدی مطیع

مقدمه

قرآن متن اصلی اسلام است و به عنوان جامع‌ترین کتاب آسمانی و کتاب جاویدان الهی و راهنمای بشر، از منابع غنی انسان‌شناسی و انسان‌پژوهی است که با بررسی و تحلیل آیات آن می‌توان به شناخت خصائص و عوامل سعادت و شقاوت انسان پی برد. توجه و اهمیت موضوع انسان‌شناسی و تأثیر آن بر رفتار آدمی است؛ چراکه قرآن کریم در مواردی انسان را تکریم و تمجید نموده و در مواردی نیز او را سرزنش نموده و مورد نکوهش قرار داده است. از طرفی مطالعات زبان‌شناسی در حوزه تفسیر این کتاب آسمانی نتایج و پیامدهای معرفتی بسیار گسترده‌ای دارد و به این خاطر، کل علوم اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس گام برداشتن در مسیر مواجهه و ارتباط روشمند و علمی با این کتاب و فهم و دریافت صحیح و دقیق آن به خصوص پیرامون مبحث اوصاف انسان‌ها، جایگاه مهمی در مطالعات دینی دارد.

نظریه کارگفت یکی از مهم‌ترین و مفصل‌ترین مباحثی است که در سال‌های اخیر در کاربردشناسی مطرح شده است؛ استفاده از نظریه کارگفت‌ها در قرآن با توجه به اینکه این دیدگاه ناظر به تبیین کنش‌های غیر بیانی هر پاره‌گفت، به منزله استخراج مقصود کاربردی و عملی گوینده از ایجاد یک رخداد گفتاری است، در ترسیم پیام‌های قرآنی و استخراج نکات غیر مستقیم و ضمنی از این کتاب که خود، انسان‌ها را به تدبر بیش‌تر در آن فرا خوانده است، بسیار کاربرد دارد. از جمله کاربردهای این نظریه در ترسیم کاربردی، اختتام آیات است که ویژه قرآن بوده و این موضوع حتی در شعر عربی و نهج البلاغه کاربرد نداشته و از ویژگی‌های اختصاصی قرآن است و از جنبه ظاهری و لفظی نقش مهمی در هم‌بستگی و انسجام آیات دارد، همانگونه که نقش آن از جنبه معنایی و دلالتی و تأثیرش بر محتوای آیه قابل انکار نیست. در متن قرآن کریم آیاتی که به طور پراکنده در پایانه آن‌ها به موضوع اوصاف انسان‌ها پرداخته‌اند به گروه‌های مختلفی، بر اساس هدف و موضوع تقسیم می‌شود. از جمله مفاهیمی که در اختتام آیات به آن اشاره شده و با روش کاربردشناسی می‌توان مفاهیم و ارزش‌های افزوده‌ای از آن‌ها استخراج کرده، اوصاف انسان‌های رستگار است؛ و از آنجا که شناخت مسیر فلاح و رستگاری آدمی و عوامل رسیدن به این مهم تأثیر شگرفی در عملکرد انسان دارد و با در

نظر گرفتن اصل و اساس نظریه کارگفت که با توجه خاص به بافت زبانی و موقعیتی تولید پاره گفت است و در آیات به وضوح این بافت حداقل به لحاظ زمانی و مکانی متفاوت است، استفاده از مبانی این نظریه در اختتام آیات، منجر به تبیین تفاوت آیات در بعد کاربردی و نوع پیام‌های استخراج شده از آن‌ها می‌گردد.

این تحقیق از آنجا که موضوع مهم اوصاف انسان‌ها در اختتام آیات را از زاویه‌ای جدید و با روشی تازه مورد بررسی قرار می‌دهد دارای ارزش علمی است. اصولاً یکی از حکمت‌های ذکر شده برای اختتام آیات در قرآن، توجه دادن انسان‌ها به نکات ظریف و اسرار مخفی در این تفاوت‌های اندک است که لازمه کشف آن‌ها تدبر و دقت بیش‌تر در آیات و تمام قرائن و نشانه‌های موجود است. این تحقیق گامی است کوچک در این عرصه که زمینه کارهای بهتر و عمیق‌تر را در آینده فراهم خواهد کرد.

پیشینه بحث

کتاب‌هایی که به تفسیر موضوعی قرآن پرداخته‌اند، ذیل عنوان «انسان‌شناسی» صبغه و سرشت آدمی را از منظر قرآن بررسی کرده‌اند؛ و به مقالاتی مانند «ستایش و نکوهش انسان در قرآن کریم و تفاسیر» اثر علی کربلایی پازوکی، مقاله «شاخصه‌های وصول به فلاح در قرآن کریم» اثر کریم پارچه باف دوستی و مقاله «بررسی معناشناسانه فوز و فلاح در قرآن کریم» اثر محمد علی لسانی فشارکی اشاره نمود. با بررسی مقالات علمی و پایان‌نامه‌ها نیز مقاله یا پایان‌نامه‌ای با این عنوان یافت نشد. در زمینه استفاده از دانش کاربردشناسی در تفسیر قرآن کریم چند اثر زیر یافت گردید: «مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم» از صانع‌پور، «بررسی کاربردشناسانه آیات محاوره‌ای در قرآن کریم»، دانشگاه مینیا، مقاله «بررسی زبان شناختی تناسب آیات قرآن بر پایه اصول همکاری گرایس» اثر غلامعباس سعیدی؛ بررسی سوابق پژوهشی انجام گرفته پیرامون اوصاف انسانی در قرآن بیانگر این واقعیت است که رویکرد آن‌ها بیش‌تر معناشناسی بوده است که یکی از شاخه‌های آن معناشناسی ساختاری است و از مباحث آن تعیین حوزه‌های معنایی یک واژه است مانند واژه جهاد در قرآن (احمدنژاد، ۱۳۹۸). و بررسی این موضوع با یک رویکرد کاربردشناسی مسبوق به سابقه نیست.

کاربردشناسی

کاربردشناسی بیش‌تر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفتارهایشان سر و کار دارد تا با معنای خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند. کاربردشناسی، بررسی منظور گوینده است. این‌گونه بررسی، ناگزیر تفسیر منظور افراد را در یک بافت خاص و همچنین، چگونگی تأثیر آن بافت بر پاره‌گفت را نیز در بر می‌گیرد و مستلزم توجه به این نکته است که چگونه سخن‌گویان، کلام خود را با در نظر گرفتن مخاطب، مکان، زمان و شرایط حاکم سازماندهی می‌کنند؛ بنابراین، کاربردشناسی بررسی معنای بافتی است (یول، ۱۳۹۱: ۱۱).

نظریه کارگفت یکی از مهم‌ترین و مفصل‌ترین مباحثی است که در سال‌های اخیر در کاربردشناسی مطرح شده است. تحلیل کارگفتی زبان فراتر از سطح گفتن واژگان و ساختارهای نحوی و معناشناسی حاکم بر آن است و وابستگی غیر قابل انکاری با بافت در همه سطوح و اقسام آن دارد.

کارگفت‌ها یا کنش‌های گفتاری

نظریه‌ای است که جان، لانگ، شاو، آستین (۱۹۶۲) فیلسوف مشهور زبان مطرح نمود و سپس توسط افرادی نظیر جان، آر، سرل توسعه یافت و بعدها توسط زبان‌شناسان به زبان‌شناسی و به‌طور خاص کاربردشناسی وارد شد (عبداللهی، ۱۳۸۵، مقدمه: ۲۸؛ سعیدی‌روشن، ۱۳۸۹: ۵۰-۵۴).

آستین، اعلام کرد که تمام اظهارات زبانی از سنخ اظهارات انشایی و از مقوله فعل هستند. او چنین استدلال کرد که همانگونه که برای وعده، امر، تشکر و مانند این‌ها افعال خاصی وجود دارند که دلالت بر انشا می‌کنند، همچنین درباره اموری چون، بیان کردن، توصیف کردن، ادعا کردن و مانند این‌ها که آستین در تقسیم‌یاد شده آن‌ها را اخباری نامید، افعال انشایی وجود دارد؛ بنابراین آستین نتیجه گرفت که هر اظهاری، نوعی کارگفت یا فعل گفتاری است (عبداللهی، ۱۳۸۵، مقدمه: ۳۰-۳۲).

کنش گفتاری، همان عملی است که گوینده با تولید یک عبارت زبانی و از طریق نیروی متداول مربوط به آن، به تصریح یا تلویح قصد می‌کند. این اعمال عبارت‌اند از

پرسیدن سؤال، دستور دادن، تشکر و عذرخواهی کردن، قول دادن و نظایر آن (Malmkjar, 2010: 423).

سرل کنش‌های گفتاری را به پنج نوع تقسیم می‌کند. که عبارت‌اند از ۱. کنش اظهاری؛ ۲. کنش ترغیبی؛ ۳. کنش تعهدی؛ ۴. کنش عاطفی و ۵. کنش اعلامی (Searle, 1927: 344-369).

کنش اظهاری آن دسته از کنش‌های گفتار را شامل می‌شود که به نوعی دارای ارزش صدق و کذب هستند و گوینده مدعی صادق بودن آن است. اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات و ... که در آن‌ها گوینده جهان خارج را آن‌گونه که باور دارد، به تصویر می‌کشد (Barber & stainton, 2010: 709). بعضی از افعال اظهاری عبارت‌اند از بیان کردن، توصیف کردن، اخبار، آگاهانیدن، خاطر نشان کردن، اظهار نظر کردن، مطالبه کردن، استدلال کردن.

در کنش ترغیبی، هدف گوینده اجبار یا تشویق مخاطب به انجام یا ترک کاری است (Crystal, 2003: 140 cf). که ممکن است در قالب امر، پرسش، خواهش یا فرمان و فعل‌های دستور دادن، فرمان دادن و خواستن متبلور شود (Martinez- flor 2005: 168). کنش عاطفی شامل گفتاری می‌شود که دیدگاه یا حالت روان‌شناختی گوینده نظیر لذت، تأسف و علاقه یا تنفر را بیان می‌کند. در این کنش گفتار، انطباق جهان و ذهن وجود ندارد. این گونه کنش‌ها در عذرخواهی، سرزنش، تبریک، تحسین و تشکر دیده می‌شود.

کنش اعلامی شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آن‌ها تغییراتی واقعی در جهان خارج ایجاد می‌شود. در چنین کنشی گوینده با بیان جمله، در جهان خارج تغییر ایجاد می‌کند؛ یعنی بین محتوای گزاره‌ای جمله و جهان خارج انطباق ایجاد می‌کند. بر خلاف کنش تعهدی که گوینده خود انجام عملی را به عهده می‌گیرد، در کنش اعلامی، صرف بیان جمله توسط گوینده، برابر با انجام عمل است و نیاز به انجام کار دیگری نیست. در جمله‌هایی که شامل ابطال کردن، نامیدن، محکوم کردن، تحریم کردن، عقد ازدواج، منصوب کردن، عزل کردن و نظایر آن است، از این گفتار استفاده شده است.

جایگاه بافت در کاربرد شناسی

«بافت» یکی از مباحث مهم در کاربردشناسی به حساب می‌آید به طوری که این مفهوم بخش لازم و ضروری این علم شده است. در زبان شناسی دو نوع دلالت درون زبانی و برون زبانی وجود دارد. دلالت درون زبانی رابطه میان صورت هر واحد زبان با مفهومی است که در ذهن داریم. دلالت برون زبانی در اصل همان فضای پیرامون جمله و موقعیت و شرایط متکلم و مخاطب است که به زبان و ساختار جمله مربوط نیست اما در درک متن از اهمیت زیادی برخوردار است. می‌توان گفت دلالت درون زبانی و برون زبانی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ داشته و مستقل از یکدیگر نیستند (صفوی، ۱۳۹۱ش: ۲۹۵-۳۰۰).

بنابراین برای دریافت دقیق معنای یک جمله و متن به غیر از معنای ظاهری کلمات و درج شده در فرهنگ لغت، عواملی مانند نوع مخاطب، لحن و مقام سخن، زمان و مکان، اشتراکات فرهنگی طرف‌های گفت‌وگو نقش زیادی دارد که به این عوامل بافت گفته می‌شود (کوک، ۱۳۸۸ش: ۵۷).

فاصله یا اختتام آیات

پایانه آیات، فرازهای پایانی آیات می‌باشند که از استقلال برخوردار بوده و تناسب و وثیقی با معنای آیه داشته و غالباً از یک قافیه مشترک برخوردارند و وظایفی از جمله تعلیل، تأکید، توضیح، ترغیب، انکار و نتیجه گیری و... دارند. خداوند متعال در این فواصل معمولاً به حکمت‌های خاصی اشاره می‌کند که باعث فهم بهتر معانی می‌گردد. فاصله آیه تنها با خود آن آیه پیوند ندارد؛ بلکه با محور اصلی سوره نیز در ارتباط است. به همین دلیل آیاتی دارای مضمون و متنی واحد در دو سوره با فاصله‌های متفاوت ختم شده است. آنگاه که دلایل این تفاوت فواصل مورد بررسی قرار می‌گیرد ملاحظه می‌شود که این اختلاف به تفاوت سیاق و موضوع آن‌ها باز می‌گردد. در این مقاله اوصاف انسان‌های رستگار در اختتام آیات مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا در حد توان به مراد جدی مقصود خداوند در آیات دست یابیم.

واژه شناسی و اصطلاح شناسی «فلاح»

ابن منظور «فلاح» را به معنای، رستگاری و نجات و بقای در نعمت و خیر می‌داند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲، ۵۴۷). راعب نیز می‌گوید: «افلح» از ماده «فلح و فلاح» در اصل به معنای شکافتن و بریدن است. سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی اطلاق شده است. در حقیقت افراد پیروزمند و رستگار و خوشبخت موانع را از سر راه بر می‌دارند و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافند و پیش می‌روند (راعب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳، ۹۰).

«مفلح» اسم فاعل از «افلاح» باب افعال است و به معنای رستگار برای شخصی به کار می‌رود که به خاطر اعمال نیک، پیروز و کامیاب شده است. البته مفلح انسانی است که با رنج و تعب به مقامی رسیده باشد نه بدون رنج (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲، ۲۰۷). از دیدگاه علامه طباطبایی مفلحون پیروزمندانی هستند که به مراد و منظور خود دست یافته و از عقاب الهی نجات یافته و به ثواب و پاداش خود که همان مقام فوز است رسیده‌اند: «الظافرون بالمراد الناجون من العقاب الفائزون بالثواب» (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۷، ۴۷؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۹: ۱۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱، ۴۰؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۱، ۱۲۴). شیخ طوسی در «تبیان» چنین آورده است: مفلحون، یعنی کسانی که به وسیله ایمان و عمل صالح به مطلوب و مقصودی که نزد خدا داشتند دست یافتند (شیخ طوسی، ۱۴۰۹: ۱، ۱۵۹).

بنابراین در تفسیر این واژه باید گفت همه معانی به یک حقیقت بازمی‌گردد: انسان در راه رسیدن به مقصد و هدف مطلوب، پیوسته با موانع و گرفتاری‌هایی درگیر است ولی با تلاش و جهاد می‌تواند این گرفتاری‌ها را برطرف کرده و موانع را از سر راه برداشته به هدف و مطلوب خویش نایل شود که در این صورت می‌گویند: رستگار شد، یعنی رست و رها شد یا راحت شد و بر دشمن چیره گردید. برای رسیدن به این مطلب باید نوع کنش و مراحل آن به صورت عملیاتی بررسی شود.

مؤلفه‌های تحقق کارگفت فلاح در آیات قرآن کریم

در ادامه پژوهش بر اساس مراحل مذکور به بررسی مبانی تحقق کارگفت رستگاری در آیات قرآن کریم بر اساس مؤلفه‌های بافت درون زبان و برون زبان خواهیم پرداخت.

در استخراج نظام معنایی پایانه‌های آیات سعی خواهد شد با استفاده از روش کاربردشناسی که بر دو لایه بافتی استوار است، قرائن زبانی و غیر زبانی معیاری شوند برای ساماندهی جدید و تازه‌ای از اوصاف انسان‌ها. هدف اصلی از نگارش این پژوهش تبیین و طراحی یک نظام یا دستگاه منسجم، هماهنگ و معناداری است که قابلیت بررسی اختتام آیات را بر اساس مؤلفه‌های دانش کاربردشناسی داشته باشد و خروجی آن پیام‌ها، اشارات و مفاهیم کاربردی هر کدام از آیات باشد.

کارگفت تعهدی

۱. تحلیل کاربرد شناختی فلاح در هم‌نشینی با واژه «تقوا»

﴿...هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ۝۱۰۱ اُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۖ اُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (البقرة/ ۵)

بافت درون زبانی

روابط هم‌نشینی: از قرار دادن آیات ابتدایی سوره بقره ﴿ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ در کنار آیات ابتدایی سوره نمل ﴿هُدًى وَبُشْرَىٰ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ و آیات نخستین سوره لقمان ﴿هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ﴾؛ اینگونه استفاده می‌شود: متقین، همان مؤمنان نیکوکار هستند؛ احسان و نیکوکاری یکی از اصول اساسی ارزش‌ها در جامعه اسلامی است. بر این اساس، خداوند همگان را به انجام آن فرمان داده است. بر طبق آیات شریفه اصلی‌ترین عوامل سعادت‌مندی در دنیا و آخرت از منظر آیات شریفه «تقوا»، «ایمان» و «احسان» است (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۴، ۲۰).

سیاق یا بافتار (ارتباط صدر و ذیل): در حقیقت این آیه نتیجه و پایان کار متقینی که هدایت آن‌ها و همچنین رستگاری‌شان از سوی خدا تضمین شده است را بیان می‌نماید و تعبیر به «مِن رَّبِّهِمْ» اشاره به همین حقیقت است. تنها راه رستگاری، راه متقین است که با کسب پنج صفت ویژه مشمول هدایت الهی گشته‌اند؛ هدایتی که چون مرکبی راهوار آنان را با سهولت به مقصد می‌رساند و رفعت مقام می‌بخشد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲، ۲۰۸).

بافت برون زبانی

ربط بینامتنی با فضای سوره: سوره بقره از اولین سوره نازل در شهر مدینه بوده و با نزول سوره مدنی اوضاع متغیر شده و قطب حاکم جامعه را مؤمنان تشکیل داده و

قطب‌های مخالف و غیر اسلامی در اقلیت هستند. خدای متعال برای تربیت و هدایت جامعه، با بیان قوانین جدید و امر به تقوای الهی و التزام به آن، آنان را از آسیب‌هایی که در مسیر عبودیت بندگان است بر حذر می‌دارد (بهجت پور، ۱۳۸۵: ۳۸۸).

ویژگی‌های مخاطب: در واقع این آیات نشان از آن دارد که در هنگام شکل‌گیری شاکله‌های حکومت اسلامی باید راه‌های رسیدن به سعادت‌مندی بیان و در نگرش افراد تغییرات اساسی ایجاد می‌گردید.

مقام سخن (هدف کلی گوینده از گفتن آن سخن): در فضای شهر مدینه و تقابل سه گروه متقین، کافران و منافقان، لازم بود مؤمنان آگاهی‌های لازم جهت تقویت نیروی ایمان و مصونیت به وسیله قوه تقوا را فرا گیرند.

لحن گفتار: در آیه از هدایت متقین و رسیدن به مقام فلاح و رستگاری به وسیله قرآن سخن به میان آمده است که این نشان دهنده کرامتی است که خدای متعال شامل حال مؤمنان می‌نماید.

کارگفت: بر اساس مطالب بیان شده می‌توان گفت: اگرچه ظاهر پایانه آیه خبری است اما معنای انشایی این پایانه با توجه به اینکه گوینده آن خدای متعال است و در مقام تعظیم و تکریم متقینی است که دارای اوصاف مذکور باشند، دارای کنش تعهدی است که بر اساس آن خداوند به متقین وعده می‌دهد که در این دنیا و دنیای دیگر در عوض عمل خیرشان رستگار و سعادت‌مند شوند.

۲. تحلیل کاربرد شناختی فلاح در هم‌نشینی با «تبعیت از حضرت رسول»

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (الأعراف/ ۱۵۷)

بافت درون زبانی

روابط هم‌نشینی: از هم‌نشینی ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ﴾ با ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ به دست می‌آید که رستگاری همگان، حتی یهود و نصارا، در گرو ایمان به پیامبر (ص)، دفاع از او در مقابل دشمنان و تقویت وی در پیشبرد رسالت است.

سیاق یا بافتار(ارتباط صدر و ذیل): صدر آیه شریفه ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ﴾ با در نظر گرفتن سیاق، بیان جمله ﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ در آیه قبل است، برای اینکه اوصاف حضرت رسول را بیان کرده، و همه این‌ها آیات و نشانه‌های نبوت آن حضرت و خاتمیت نبوت او است، و همان آیاتی است که خداوند قبلاً در تورات و انجیل برای ایشان بیان کرده بود پس ایمان به آن‌ها ایمان به آن آیات است، در واقع یهود و نصارا اگر بخواهند دستورات مؤکد تورات و انجیل را درباره ایمان به آیات به کار ببندند ناگزیرند به نشانه‌های نبوت خاتم النبیین(ص) نیز ایمان بیاورند.

پس اینکه فرمود: ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ﴾ توضیح می‌دهد که منظور از پیروی رسول در حقیقت، همانا پیروی کتاب خداست که مشتمل است بر شرایع و احکام خدا، و آن چیزی که برای او معنای اتباع را دارد همان ایمان به نبوت و رسالت او و تکذیب نکردن و تسلیم در برابر اوامرش و یاری ایشان در انجام مقاصد است؛ پس کسانی که از یهود به وی ایمان آورده و او را یاری کنند همانا آنان رستگارانند.

بافت برون زبانی

ویژگی‌های مخاطب: مخاطب آیه یهود و نصارای زمان بعثت هستند(ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۸، ۳۱۶).

مقام سخن: شاید بتوان گفت آیات شریفه در مقام بیان ۲ نکته اساسی است؛ به این صورت که: پیروان رسول اکرم(ص)، از رحمت خاص الهی بهره‌مند هستند. رحمت نوید داده شده با جمله «سأکتبها»، از آن پیروان پیامبر(ص) پس از بعثت او خواهد بود. پس غرض از این آیات سوق بشر به سوی کمال انسانیت و حیات ظلّی و ابدی او است و برنامه‌ای برای سیر حقیقی و کمال روانی بشر برای همیشه که جز به وسیله پیامبر گرامی(ص) و تعلیمات قرآن در نظر گرفته نشده و تصور نمی‌شود.

لحن گفتار: آیه شریفه فلاح و رستگاری جامعه بشریت برای همیشه بر ایمان به رسول گرامی و پیروی از برنامه مکتب قرآن دانسته و پیروان رسول اکرم(ص) را بهره‌مند از رحمت خاص الهی معرفی کرده است. بنابراین اهل ایمان و تقوا به طور حتم سعادت‌مند و رستگار خواهند بود و این کلام بویی از اعلام همراه با بشارت دارد.

کارگفت: از ارتباط مطالب بیان شده می‌توان گفت: معنای انشایی این پایانه دارای کنش تعهدی از نوع کارگفت اعلامی است که بر اساس آن خداوند به تبعیت کنندگان و ایمان آورندگان به حضرت رسول از یهود و نصاری و غیر آنان وعده می‌دهد که در این دنیا و دنیای دیگر در عوض عمل خیرشان رستگار و سعادتمند شوند. در پاسخ کسانی که به صرف ایمان یهود و نصاری و غیره به حضرت رسول آنان را جزء سعادتمندان معرفی نموده و عمل بر طبق شریعت خود افراد را کافی در این مبحث می‌دانند.

کارگفت ترغیبی

۱. تحلیل کاربرد شناختی «فلاح» در هم‌نشینی با «ایتاء خالصانه حقوق مالی دیگران»
﴿قَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (الروم/۳۸)

بافت درون زبانی

روابط هم‌نشینی‌ها: ارتباط معنایی اینکه «انفاق خیر است» و جامعه‌ای که در آن انفاق باشد جامعه‌ای رستگار است چیست؟ جواب این است که انفاق گاه سبب تکامل اجتماعی می‌شود، زیرا موجب می‌شود که افراد جامعه هماهنگ و یک رأی راه تقدم پویند. در حالی که جامعه‌ای که از چنین موهبتی برخوردار نباشد در برابر مشکلات پایداری نکرده و به زودی راه زوال را خواهد پیمود. شکی نیست که فواید تقدم و پیشرفت هم انفاق کننده را شامل می‌شود و هم کسی که به او انفاق می‌شود. شاید بزرگ‌ترین فایده انفاق آزادی انفاق کننده است از اسارت ماده و یاری کردن اوست به خروج از حرص و طمع. انفاق راه ایمان به خدا را در جلو پای ما می‌گشاید؛ و حب دنیا یکی از علل شرک دانسته شده است (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۰، ۶).

سیاق یا بافتار: کلمه «حق» به ضمیر «ذی القربی» اضافه شده، دلالت دارد بر اینکه برای ذی القربی حق ثابتی است، لذا در بیان آثار انفاق به طور عموم فرمود: «ذَلِكَ خَيْرٌ» این بهتر است برای کسانی که رضای خدا را می‌جویند، و آنان رستگاران‌اند.

رابط بینامتنی با آیات قبل و بعد: با در نظر گرفتن ارتباط معنایی آیات می‌توان گفت: در طی این آیات بیان شده که مشرکان و منکران به هنگام از کار افتادن وسائل مادی رو

به خدا می‌آورند، به این دلیل که، فطرت انسان به خدا راه دارد و به سوی او دلالت و هدایت می‌کند. آیه قبلی دلالت داشت بر اینکه گشایش روزی و تنگی آن از جانب خدا است. لذا خداوند در این آیه به دنبال بیان آن مطلب فرمود: حال که دانستی گشایش و یا تنگی روزی از جانب خداست، پس بدهی مکلف به خویشان خود و فقیر و مسافر درمانده حق هر یک را که این انفاق و اداء حق بهتر است از مال دنیا برای کسانی که طالب خوشنودی خدا و قرب به آن حضرت‌اند و ایشان از رستگاران به نعیم آخرت‌اند (قرشی بنایی، بی تا: ۸، ۲۰۳).

بافت برون زبانی

ویژگی‌های مخاطب: خطاب در این آیات به شخص نبی اکرم (ص) است. البته باید افزود پیرامون مخاطب آیه نظرات گوناگونی وجود دارد؛ بعضی مانند صاحب تبیان، مخاطب را حضرت رسول معرفی کرده‌اند و گروهی نیز تمامی مسلمانان را مورد خطاب آیه دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۹: ۸، ۲۵۳؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲۱، ۵۸).

مقام سخن: در این آیه در مورد حقوق مالی خویشاوندان و بینوایان و در راه ماندگان به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش شده است. زیرا خویشان، بینوایان و در راه ماندگان، در اموال مسلمانان حقوقی داشته که باید با قصد و نیت خالصانه پرداخت شده که برای کمال بهتر بوده و عامل رستگاری است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴، ۲۵۸).

لحن گفتار: «ذَلِكَ خَيْرٌ»: اشاره به این دارد که امر به نیکی‌ها، لحنی تشویقی دارد (بقاعی، ۱۴۱۵: ۵، ۶۲۸).

کارگفت: اگر منظور از حق در آیه امر به ایتاء خالصانه حق ذی القربی و مسکین و ابن السبیل است به این صورت که هر بسط و قبض مالی را از جانب خدای متعال دانسته و بدانند که با انفاق مال از مال او کاسته نشده، بلکه این ایتاء باعث رها شدن از بخل نفس و رسیدن به مقام فلاح می‌شود کارگفت تعهدی از نوع کنش ترغیب مسلمانان به ایتاء حق گروه‌های مذکور بوده و تلاش برای کسب رضای خدا سبب رستگاری دانسته شده است.

کارگفت اظهاری

۱. تحلیل کاربرد شناختی فلاح در هم‌نشینی با «جهاد با مال و جان»

﴿لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (التوبة/۸۸)

بافت درون زبانی

روابط هم‌نشین‌ها: از هم‌نشینی ایمان آورندگان جهادگر با مال و جان با پایانه آیه به دست می‌آید که تمام خیرات و سعادت‌ها در گرو ایمان و عمل صالح است. «أُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ» در کنار «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» می‌رساند: فلاح و رستگاری نصیب کسی می‌شود که جامع جمیع خیرات باشد از عقائد حقه و علوم الهیه و صفات حسنه و اعمال صالحه و درجات عالیه.

سیاق یا بافتار (ارتباط صدر و ذیل): افتتاح آیه شریفه با حرف استدراک «لکن» می‌فهماند که مضمون این آیه نقیض کلام قبلی است؛ بنابراین زمانی که ممانعت منافقین از شرکت در جهاد نشانه کفر آنان باشد، نقطه مقابل این مطلب مؤمنان هستند. بنابراین زمانی که نرفتن منافقان به جهاد، سبب کفر آنان است، پس مؤمنان نقطه مقابل این مطلب هستند. صدر آیه را آغاز نمود با توصیف احوال آنان به این صورت که رسیدن به کمال و خیر برای این افراد به دلیل همراهی با شخص حضرت رسول است و هر خیر و کمالی به سبب تعلق و تبعیت از ایشان دانسته شده است (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۱۰، ۱۷۵). ربط بینامتنی با آیات قبل و بعد: خدای متعال در آیات پیشین برای آنکه پیامبر اسلام ارزش‌های آسمانی را در جامعه پابرجا سازد و موضع هر کس را در امر رسالت و نسبت به دین مشخص سازد و ثروت را که در نظر برخی اساس هر ارزشی است بی‌مقدار جلوه دهد، مسلمانان را از نماز خواندن بر جنازه منافق و ایستادن بر سر قبر او به عنوان تکریم او منع کرده است. منافقان توانگر همواره از جهاد سرپیچی می‌کردند و از پیامبر می‌خواستند که رخصت دهد تا با کسانی که جهاد بر آنان مقرر نیست چون زنان و کودکان و بیماران در خانه بمانند، بدون اینکه بفهمند این عمل اهانتی است که در حق خود روا می‌دارند (مدرسی، ۱۳۷۷: ۳، ۳۰۷).

بافت برون زبانی

ارتباط بینامتنی با فضای نزول سوره: سوره توبه به نظر تمام مفسران و دانشمندان علوم قرآنی مدنی است و مقصود از نزول این گروه از آیات نقد و تقبیح رفتار منافقان در

مواجهه سپاهیان اسلام با مشرکان در جنگ تبوک و تحسین و وعده پاداش به مؤمنان راستین است (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۵۰۱).

مقام سخن: آیه مورد نظر بیان کننده این مطلب است که دستیابی به خیرات و نعمت‌های الهی، نیازمند ایمان راستین که یکی از مصادیق آن، ایمان به حضرت رسول به همراه انجام عمل صالح (جهاد با اموال و انفس) می‌باشد؛ رستگاری و کامیابی واقعی، تنها از آن پیامبر (ص) و مؤمنان راستین و مجاهد است. لحن گفتار: در این آیه به این دلیل مؤمنین را در مقابل منافقین قرار داده تا مدحشان کند، و به جهاد با جان و مال بستاید و مدحشان کند (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۹، ۴۸۷).

کارگفت: در پایانه آیه شریفه از قبیل کنش اظهاری و فعل انجام گرفته مدح مؤمنان جهادگر است و سرزنش منافقان. در این آیات سخن از ارزش‌های ایمان و جهاد است و بی‌ارح ساختن ارزش‌های مادی جاهلی که بر اساس ثروت و کثرت یاران پی‌ریزی شده است.

نتیجه بحث

بر اساس تحلیل کارگفتی که بر روی آیاتی از قرآن کریم، دارای اختتام مشترک با موضوع انسان‌های رستگار و با استفاده از برخی مؤلفه‌های بافت درون زبان و برون زبان مطرح شده در کاربردشناسی به بررسی آیات مذکور پرداخته و کاربرد این مؤلفه‌ها برای ترسیم معنای کاربردی و عملی آیه‌ها با رویکرد کاربردشناسی و بر اساس روش کارگفت این نتایج کسب گردید:

پایانه و محتوای آیات در فهم یکدیگر نقش متقابل داشته و محتوای آیه به طور معمول و روال طبیعی بر فهم اختتام آیه تأثیرگذار بوده و از طرف مقابل ثابت شد که پایانه نیز برای فهم محتوای آیه می‌تواند نقش بزرگی داشته باشد. گونه‌های انسانی پیوند و تناسب فاصله و محتوای آیه عبارت‌اند از تشویق، ترغیب، تحریک و بشارت؛ سرزنش، عتاب، مذمت و توبیخ؛ تشریف و تعظیم. بر اساس استفاده از روش مذکور، کنش‌های گفتاری حاصل از پایانه آیات مذکور را می‌توان به انواع گوناگونی مانند کنش تعهدی،

اظهاری، ترغیبی تقسیم بندی نمود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تفاوت معنایی پایانه‌ها و کنش‌های حاصل از پایانه آیات ناشی از بافت درون زبان و برون زبان می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد. ۱۹۸۴م، **التحریر والتنویر**، تونس: دار التونسية للنشر.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. ۱۴۱۳ق، **المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا. ۱۳۹۹ش، **معجم مقاییس اللغة**، بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- ابوحسان، جمال محمود. ۱۴۳۱ق، **الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة**، عمان: دار الفتح.
- ابوحیان، محمد بن یوسف. ۱۴۲۲ق، **البحر المحیط**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بابایی، علی اکبر. ۱۳۸۵ش، **روش شناسی تفسیر قرآن**، قم-تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقلانی، محمد بن طیب. ۱۹۹۷م، **اعجاز القرآن**، قاهره. دار المعارف.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر. ۱۴۱۵ق، **نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. ۱۴۱۸ق، **انوار التنزیل و اسرار التأویل**، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- جعفری، یعقوب. ۱۳۷۵ش/۱۴۱۷ق، **تفسیر کوثر**، بی جا: بی نا.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱ش، **تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم**، قم: نشر اسراء.
- حسناوی، محمد. ۱۴۰۶ق، **الفاصله فی القرآن**، بیروت: المکتب الاسلامی / عمان: دار عمّار.
- حسینی همدانی، محمدحسین. ۱۴۰۴ق، **انوار درخشان**، تهران: کتابفروشی لطفی.
- حقی بروسوی، اسماعیل. بی تا، **تفسیر روح البیان**، بیروت: دار الفکر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **معجم مفردات الفاظ القرآن**، بیروت-دمشق: دار القلم-دار الشامیة.
- زبیدی، محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسینی. بی تا، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بی جا: دار الهدایة.
- سید قطب، ابراهیم حسین. ۱۴۱۲ق، **فی ظلال القرآن**، چ هفدهم، بیروت/قاهره: دار الشروق.
- سید قطب، ابراهیم حسین. ۱۴۲۳ق، **التصویر الفنی فی القرآن**، چ شانزدهم، قاهره: دار الشروق.
- سید، محمد یوسف هاشم. ۲۰۰۹م، **المناسبة بین الفاصلة القرآنیة وآیاتها، دراسة تطبیقیة لسورتي الاحزاب و سبأ**، غزه: الجامعة الاسلامیة.
- صانعی پور، محمد حسن. ۱۳۹۰ش، **مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- صفوی، کوروش. ۱۳۸۲، **معنی شناسی کاربردی**، تهران: انتشارات همشهری.

صفوی، کوروش. ۱۳۹۱ش، **آشنایی با زبان شناسی در مطالعات ادب فارسی**، تهران: نشر علمی طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۰ش، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چ چهارم، تهران: بنیاد علامه طباطبایی.

طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۸۷ش، **ترجمه تفسیر المیزان**، سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۰۸ق، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چ دوم، بیروت: دار المعرفة. طبرسی، فضل بن حسن. بی تا، **تفسیر جوامع الجامع**، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین قم.

طبری، محمد بن جریر. ۱۴۲۰ق، **جامع البیان فی تأویل القرآن**، بیروت: مؤسسة الرسالة. طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی. طیب، عبدالحسین. ۱۳۷۸ش، **اطیب البیان**، ج ۲، تهران: اسلام.

فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۱۰ق، **کتاب العین**، قم: انتشارات هجرت.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. ۱۴۲۶ق، **القاموس المحیط**، چ هشتم، بیروت: مؤسسة الرسالة. مدرسی، سید محمدتقی. ۱۳۷۷ش، **تفسیر هدایت**، چ ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.

مصطفوی، حسن. ۱۳۶۸ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معرفت، محمدهادی. ۱۳۸۶ش، **تناسب آیات**، ترجمه عزت الله مولائی نیا همدانی، قم: بنیاد معارف اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

یول، جورج. ۱۳۹۱ش، **کاربردشناسی زبان**، ترجمه محمد عموزاده، تهران: انتشارات سمت.

مقالات

احمدنژاد، امیر و علی سعیدی. ۱۳۹۸ش، «**حوزه معنایی جهاد و واژه‌های همنشین آن با تکیه بر سیر نزول**»، فصلنامه مطالعات قرآنی جیرفت، شماره ۳۷، صص ۱۰۶-۸۱.

سعیدی، غلامعباس. ۱۳۹۱ش، «**بررسی زبان شناختی تناسب آیات، بر پایه اصل همکاری گرایس**»، آموزه‌های قرآنی، صص ۱۹۱-۱۷۳.

صانعی‌پور، محمدحسن. ۱۳۹۳ش، «**تحلیل ساختار کارگفت انذار در قرآن کریم**»، پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، شماره اول، صص ۳۹-۶۰.

کربلایی پازوکی، علی. «ستایش و نکوهش انسان در قرآن کریم». سراج منیر، سال ۶، شماره ۲۰، صص ۲۹-۵۶.

Bibliography

The Holy Quran

- Ibn Ashur, Muhammad al-Tahir ibn Muhammad. 1984. Al-Tahrir and Al-Tanwir. Tunisia: Al-Dar Al-Tunisia Publishing House
- Ibn Atiyah, Abdul Haq Ibn Ghalib. 1413 (/ 1993). Al-Muharram Al-Wajiz Fi Tafsir Al-Kitab Al-Aziz. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- Ibn Fars, Ahmad Ibn Fars Ibn Zakaria. 1399 (/ 1979). The dictionary compares the word. [Beirut?]: Dar al-Fikr
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1414. Language of the Arabs. Beirut: Dar Sader.
- Abu Hassan, Jamal Mahmoud. 1431 (/ 2010). Spiritual issues between the verses of the Qur'an. First. Oman: Dar Al-Fatah.
- Ahmad, Assam Asad. 1433 (/ 2012). The appropriateness between the Qur'anic distances and the verses, the comparative lesson in Surah Jumu'ah. Gaza: Islamic Jama'at.
- Babaei, Ali Akbar. 2006. Methodology of Quran Interpretation. Qom / Tehran: Hozeh Research Institute and University.
- Baqalani, Muhammad ibn Tayyib. 1997. The Miracle of the Qur'an. Cairo. Encyclopedia.
- Baq'a'i, Ibrahim ibn Umar. 1415 (/ 1995). Arrangement in the proportion of verses and verses. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- Beizawi, Abdullah Ibn Umar, 1418, Anwar Al-Tanzil Wasrar Al-Tawil, Beirut: Revival of Arab Heritage
- Jafari, Yaqub. 1375 (/ 1417). Kowsar Interpretation. Out of place.
- Javadi Amoli, Abdullah 1391-. Tasnim; Interpretation of the Holy Quran. Qom: Esra Publishing.
- Hasnawi, Mohammad. 1406 (/ 1986). The difference in the Qur'an. Second. Beirut: Islamic Library; Amman: Dar Ammar.
- Hosseini Hamedani, Mohammad Hossein (1404 AH), Anvardarkhshan. Tehran: Lotfi Bookstore.
- Hashsh, Musa Muslim, hello. 1428 (/ 2007). Al-Ijaz al-Bayani fi al-Fasil al-Qur'aniya, a comparative lesson on Surah Al-Nisa '. Gaza: Islamic Jama'at.
- Haghi Brusovi, Ismail (Beita), Tafsir Ruh al-Bayan. Beirut: Dar al-Fikr.
- Darwish, Mohi-ud-Din bin Ahmad Mustafa. 1415. The Arabs of the Qur'an and the statement. Fourth. Damascus, Beirut: Dar al-Miamah, Dar Ibn Kathir.
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1412 AH) Dictionary of Quranic Words., Beirut Damascus: Dar al-Qalam - Dar al-Shamah
- Zubaidi, Muhammad ibn Muhammad ibn Abdul Razzaq al-Husseini. Bit. The crown of the bride is the jewel of the bride. Bija: Dar Al-Hedayat.
- Seyed Qutb, Ibrahim Hussein. 1412. In the clarity of the Qur'an. Seventeenth. Beirut / Cairo: Dar Al-Shorouq
- Seyed Qutb, Ibrahim Hussein. 1423 (/ 2002). Photography in the Quran. Sixteenth. Cairo: Dar al-Shorouq.

- Saneipour, Mohammad Hassan (2011) Fundamentals of Discourse Analysis in the Holy Quran. Tehran: Imam Sadegh University Press
- Safavid, Cyrus (2003) Applied semantics. Tehran: Hamshahri Publications
- 2012) Introduction to Linguistics in Persian Literature Studies. Tehran: Scientific Publishing
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein. 1991. Tafsir al-Mizan. Translated by Seyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. Fourth. Tehran: Allameh Tabatabai Foundation.
- Seyed Mohammad Hossein (2008) Translation of Tafsir al-Mizan, Seyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. Volume 5, Qom: Islamic Publications Office.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan. 1408 (/ 1988). Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Second. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Bitá, Interpretation of Al-Jame 'Communities. Qom: Islamic Publications Institute, Qom Teachers Association.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir. 1420 (/ 2000). The comprehensive statement in the interpretation of the Qur'an. Bija: Al-Rasala Institute.
- Tayeb, Abdul Hussein (1378), Atib al-Bayan. C2. Tehran: Islam.
- Af, Mohammad Bakr. 1430 (/ 2009). Proportion between the distance between the Qur'an and the verses, the comparative lesson of Maryam and Taha. Gaza: Islamic Jama'at.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. 1410. Kitab al-Ain. Qom: Hijrat Publications.
- Lashin, Abdul Fattah. 1402 (/ 1982). From the secrets of the interpretation of the Qur'an, the original Qur'an. Riyadh: Dar Al-Marikh for publication.
- Maaref, Mohammad Hadi. 2007 (1428/20) (Proportion of verses. Translated by Ezatullah Molaenia Hamedani. Qom: Islamic Education Foundation.
- Modarressi, Seyed Mohammad Taghi (1998), Tafsireh Dedayat.j1. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Mustafa, Hassan (1368), research on the words of the Holy Quran. J. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Makarem Shirazi, Nasser Soodegaran (1374), Tafsir Namoneh. C1. Tehran: Islamic Library.
- Yeol, George (2012), Applied Language Application, translated by Mohammad Amuzadeh. Tehran: Samat Publications
- articles
- Karbalaei Pazouki, Ali, "Praise and Condemnation of Man in the Holy Quran" Siraj Munir, Vol. 6, No. 20: 29-56
- Saeedi, Gholamabbas (2012) "Linguistic study of the appropriateness of verses, based on the principle of cooperation of Grace" Quranic teachings: 191-173
- Saneipoor, Mohammad Hassan (2014) "Analysis of the structure of the work of warning in the Holy Quran" Linguistic research of the Quran, number one: 39-60

